

یادداشت‌های مسافرت

قم و اصفهان

(سال ۱۳۱۰ ش)

www.ketab.ir

عباس مسعودی

به کوشش
دکتر عبدالمهدی رجانی



- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
- مسعودی، عباس، ۱۲۸۰ - ۱۲۵۳.
یادداشت‌های مسافرت: قم و اصفهان (سال ۱۳۱۰ ش.) / عباس
مسعودی؛ به کوشش عبدالمهدی رجایی.
قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۲.
۱۰۸ ص.: مصور (بخشی رنگی)، عکس.
۹۷۸-۶۲۲-۳۰۴-۱۵۰-۱: فیا
عنوان دیگر: سفرنامه مسعودی: (یادداشت‌های مسافرت قم و
اصفهان در سال ۱۳۱۰ شمسی).
سفرنامه مسعودی: (یادداشت‌های مسافرت قم و اصفهان در
سال ۱۳۱۰ شمسی).
مسعودی، عباس، ۱۲۸۰ - ۱۲۵۳. -- سفرها
سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۲
Travelers' writings, Iranian -- 20th century
قم -- سیر و سیاحت
Qom (Iran) -- Description and travel
اصفهان -- سیر و سیاحت
Esfahan (Iran) -- Description and travel
رجایی، عبدالمهدی، ۱۳۵۰ - . گردآورنده
۱۴۸۶DSR:
۲۳۰۹۳/۹۵۵:
۹۱۸۰۸۳۱: شماره کتابشناسی ملی
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

به نام خداوند جان و خرد

کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت است. کپی برداری جزئی یا کلی به صورت کتاب یا استفاده اینترنتی، قابل پیگرد قانونی است.

© 2023 Majma Zakhair Islami

All rights reserved



سفرنامه مسعودی

یادداشت‌های مسافرتی قم و اصفهان در سال ۱۳۱۰ شمسی

تألیف: عباس مسعودی

به کوشش: دکتر عبدالطیف رجایی

ناشر: مجمع ذخائر اسلامی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۰۴-۱۵۰-۱

نوبت چاپ: اول در ایران - ۱۴۰۲ ش (۲۰۲۳ م)

چاپخانه: نینوا / صحافی: امین

ارتباط با ناشر: قم، خیابان طالقانی، کوی ۲۳، پلاک ۱، مجمع ذخائر اسلامی (تلفن: ۰۲۵۳۷۷۱۳۷۴۰)

(این کتاب در ترکیه، از سوی اورینتال کمپانی در سال ۲۰۲۲ با همین عنوان منتشر شده است)

نماینده توزیع در ترکیه: غازی انتپ، مختار پاشا، شهید کامل ۲۷۰۹۰، شماره ۸۰۱۵، اورینتال کمپانی

Süleyman Kuranel cad. no. 30, Kelebek apt. kat 8, d. 15, Değirmiş mah.,

27090 Şehitkamil / Gaziantep, Türkiye

ORIENTAL COMPANY

Tel-Fax: +90 (342) 999 13 58 تلفن و نمابر

Tel-Whatsapp: +90 (534) 652 72 77 واتس‌آپ

www.orientalcompany.com.tr

e-mail: info@orientalcompany.com.tr



فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۹	 تعطیل عید (ابتدای سفر)
۲۰	 نگاه یک تازه وارد
۲۱	 روزنامه نگاری
۲۱	 موقعیت شهر قم
۲۲	 در راه قم
۲۳	 تأسف مهندس آلمانی
۲۴	 ورود به قم
۲۵	 مسافر خانه های قم
۲۵	 ظرفیت های قم
۲۶	 مهمان خانه های قم
۲۶	 قم در هنگام تحویل سال نو
۲۷	 قم مسافر خانه می خواهد
۲۸	 وضعیت عمومی شهر قم

۲۹	کار و صنعت در قم
۲۹	روحانیت در قم
۳۰	فقر در قم
۳۱	کمک به معرفت عمومی
۳۳	پیشنهادهای برای توسعه قم
۳۴	مسافرت ها
۳۴	توسعه حمل و نقل
۳۴	گاراژهای قم
۳۷	مردم و شهر
۳۸	عوارض بلد
۳۹	زیرساخت های شهر قم
۴۱	اصفهان
۴۲	ورود به اصفهان
۴۳	چهارباغ
۴۴	ظرفیت های اصفهان
۴۵	اگوی زیر زمینی شهر
۴۶	نقشه شهر اصفهان
۴۶	چهارباغ خواجو
۴۷	چهلستون
۴۷	تخریب عمدی
۴۸	ظل السلطان و نقاشی های چهلستون
۵۰	میدان شاه
۵۱	مسجد شیخ لطف الله
۵۲	تاریخچه مسجد
۵۳	وضعیت مسجد
۵۴	مسجدشاه
۵۵	ماکت مسجد شاه
۵۶	وضعیت مسجد

مقدمه

نویسنده این سفرنامه، عباس مسعودی حق بزرگی به گردن فرهنگ و روزنامه‌نگاری این کشور دارد. روزنامه اطلاعات که تا به امروز یکی از وزین‌ترین و با وقارترین روزنامه‌های کشور می‌باشد، دست مایه و حاصل فکر این شخص می‌باشد.^۱ از دنیای روزنامه‌نگاری که بگذریم، عباس مسعودی حق دیگری بر گردن اهالی تاریخ و جغرافیا دارد. به این شکل که سفر زیاد می‌رفت و سفرنامه‌های خود را قلمی و در روزنامه‌اش منتشر می‌کرد. بعضی از این سفرنامه‌ها توسط خود وی و در زمان حیات به صورت کتاب هم نشر یافتند و برخی دیگر که جنبه تاریخی داشته و در روزنامه اطلاعات درج شده بودند، در سال‌های اخیر توسط محققان و پژوهشگرانی بازنویسی و منتشر شده‌اند. مجموعاً تاکنون هشت سفرنامه از ایشان به صورت کتاب منتشر شده است.^۲ کتابی که در دست شماست نهمین از این مجموعه محسوب می‌شود.

^۱ شاید به دلیل همین اهمیت باشد که موسسه اطلاعات اقدام به بازنشر دوره‌هایی از روزنامه‌اش نموده است. این بازنشر به دو صورت کاغذی و لوح فشرده است. بدین ترتیب یک منبع ارزشمند در اختیار محققان تاریخ معاصر قرار گرفته است. بازنشر کاغذی این روزنامه حوزه زمانی مهمی را پوشش می‌دهد که از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۴۰ و سپس از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۵۹ را در بر می‌گیرد.

^۲ رک: مسعودی و دیگران (۱۳۹۷) پنج سفرنامه گیلان به قلم روزنامه نگاران دوره قاجار و پهلوی، به کوشش سید مهدی سید قطبی، رشت: فرهنگ ایلیا / مسعودی عباس (۱۳۹۵) سه روز در مشهد: ۱۳۱۱ خورشیدی، یادداشت‌های مسافرت عباس مسعودی، به کوشش سید مهدی سید قطبی، مشهد: نسیم آفتاب / مسعودی، عباس (۱۳۹۵) زلزله شیروان، ۱۳۰۸ خورشیدی، یادداشت‌های مسافرت خراسان عباس مسعودی، به کوشش سید مهدی سید قطبی، مشهد: نسیم آفتاب /

از آنجا که سفرنامه‌ها و داده‌های ما در دوره رضاشاه بسیار اندک است، بدین خاطر این سفرنامه و دیگر سفرنامه‌های عباس مسعودی منابع ارزشمندی را در اختیار محققان قرار می‌دهند. عباس مسعودی اهل قلم بود، با نوشتن آشنایی داشت. او روزنامه اطلاعات را در سال ۱۳۰۵ ش راه اندازی کرده و نگارش می‌نمود. و به همین خاطر قلم روان و دلنشینی داشت. او با همین خصوصیت و در کنار دقت و تیزبینی، گوشه‌ها و ظرایف را می‌نگرد و ثبت می‌کند. کاستی‌ها و غلط‌ها را بیان می‌کند و از مسئولین امر و مقامات محلی انتقادهایش را ابراز می‌نماید. این که عباس مسعودی شیوه کهن سفرنامه‌نویسی را که مبتنی بر توصیف صرف بوده است، کنار نهاده و قلم و نگاه گزارش گونه‌ای در سخن می‌آورد، به همین خاطر است که او در ابتدای کار یک روزنامه‌نگار است.

زندگی نامه عباس مسعودی

عباس مسعودی در سال ۱۲۷۵ ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در دارالفنون گذراند و موفق به اخذ مدرک دیپلم شد. از همان موقع به روزنامه‌نگاری علاقه‌مند گردید. به کمک دوستانش در خیابان فردوسی تهران دفتری موسوم به «مرکز اطلاعات» را راه اندازی کرد. کرایه دفتر او و همکارانش به تهیه اخبار داخلی و خارجی برای مطبوعات مشغول بودند. این دفتر پس از اتمام به محل تأسیس روزنامه «اطلاعات» مبدل گردید. روزنامه اطلاعات از تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۰۵ ش در یک ورق شروع به انتشار کرد. در اولین شماره روزنامه اطلاعات راجع به چستی مرکز اطلاعات و نیز چرایی نشر آن روزنامه می‌خوانیم «شاید هنوز عده کثیری از افراد اهالی طهران و بخصوص نقاط دور دست مملکت یافت شوند که اساساً اسم مرکز اطلاعات را نشنیده، یا اگر شنیده‌اند در صدد بر نیامده باشند که از کار و طرز جریان و تشکیلات آن مطلع شده و در نتیجه بدانند که این اداره کارش چه و منظور و مقصودش چه و خاصیت آن چیست ... این اداره در ماه اسد ۱۳۰۲ که تاکنون سه سال کامل است تأسیس گردید و در قدم اول مبادرت به جمع آوری و تمرکز اخبار نقاط داخلی مملکت و اطلاعات خارجی نمود و در این مدت توانسته است خدمات خود را به عالم

مسعودی، عباس (۱۳۹۰) یادداشت‌های مسافرت گیلان در سال ۱۳۰۷ خورشیدی، به کوشش علی امیری، رشت: فرهنگ ایلیا/ مسعودی، عباس (۹) خاطرات مسافرت مسکو، تهران: اطلاعات/ مسعودی عباس (۱۳۲۸) با من به آمریکا بیایید، تهران: اطلاعات. / مسعودی عباس (۱۳۵۲) چین سرزمین شگفتی‌ها، تهران: اطلاعات/ مسعودی، عباس (۹) خاطرات مسافرت چین، نشریه اداره انتشارات سفارت کبرای جمهوری چین

مطبوعات انجام دهد. کارکنان این اداره در دومین قدم برای پیشرفت و توسعه موسسه اطلاعات به اتکاء توجه و علاقه عموم هموطنان مبادرت به نشر روزنامه ای به نام اطلاعات خواهند کرد. در حقیقت این نامه وسیله‌ای است برای استقبال و توجه عامه نسبت به این موسسه که شاید بتواند قدری سریع‌تر داخل مراحل ترقی و تکامل گردد. این روزنامه به طور یومیه و مرتب انتشار خواهد یافت و حاوی اخبار و حوادث کلیه نقاط ایران و تفصیل پاره‌ای حواث مهمه دنیا و اخبار خارجه و بعضی مطالب سودمند می‌باشد» (اطلاعات، ش ۱، ۱۹ تیر ۱۳۰۵) سردبیر روزنامه «عباس مسعودی» بود. این روزنامه تا به امروز در حال انتشار است و یکی از با کیفیت‌ترین روزنامه‌های ایران به شمار می‌رود. مسعودی به واسطه اعتبار روزنامه نگاری در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی از سوی مردم تهران به مجلس راه یافت و تا دوره پانزدهم، شش دوره متوالی در زمره وکلای ثابت مجلس بود. با راه اندازی مجلس سنا در سال ۱۳۲۸ به عنوان سناتور تهران راهی این مجلس شد و تا زمان مرگ در مقام سناتوری باقی ماند. در تمام این مدت سردبیری روزنامه اطلاعات را نیز بر عهده داشت. او سرانجام در ۲۷ خرداد ۱۳۵۳ دچار سکته قلبی شد و چشم از جهان فرو بست (سید قطبی، پنج سفرنامه گیلان، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶).

رویکرد مسعودی در سفرنامه نویسی

عباس مسعودی کثیرالسفر بود. از آن روزنامه نگارانی نبود که در دفتر خود در تهران نشسته و هیچ از اطراف و اکناف کشور نداند. از خوشبختی مایه است که او مسافرت‌های متعدد داخلی و خارجی خود را ثبت و ضبط می‌کرد و فوراً در روزنامه اطلاعات طی سلسله یادداشت‌هایی به چاپ می‌رسانید. شاید از اهمیت این گونه نوشته‌ها در نزد سردبیر روزنامه بود که معمولاً در صفحه اول و ستون نخست روزنامه این نوشتجات منتشر می‌شدند. مسعودی فقط شرح مشاهداتش را در سفرنامه‌ها نیاورده است. او پیشنهاداتی برای رسیدن به وضعیت مطلوب نیز در خلال سخنانش زیاد دارد. انتقاد از وضعیت حاضر و شرح تباه کاری‌ها و دیدن خطاها از سبک خاص قلم اوست. در یک کلام آن که مسعودی در حین سفر نیز «روزنامه‌نگار» است.

می‌توان گفت اولین سفری که مسعودی در ایام عید نوروز ۱۳۰۷ انجام داد و شرح آن را در روزنامه اش نگاشت، به گیلان بود. خوشبختانه این سفرنامه به صورت کتابی منتشر شده

است.^۱ مسعودی در این سفر تصمیم جالبی گرفت. او مصمم شد گزارش سفرش را منتشر کرده و در عین حال دیدگاه‌های اصلاح‌گرایانه‌اش را در خلال آن منعکس کند. البته این دیدگاه‌ها از خاستگاه روزنامه‌نگاری او بر می‌خواست «خیالات جدیدم این بود که وظیفه یک روزنامه‌نویس غیر از وظایف اشخاص عادی است. آن تعهد و التزامی که ما در پیش وجدان خود و جامعه داریم، مستلزم این نیست که هر چه می‌بینیم با نظر ساده تلقی کرده و بگذریم. یا که بایستی امور عادی مردم را با نظر عمیقانه‌ای نگریسته و در صدد اصلاح حال عموم و رفع نواقع امور اجتماعی برآمد. این تصورات در مخیله من جا گرفت و با خود گفتم چطور می‌توان تماشا کرد و رفت و دید و گذشت» (مسعودی، ۱۳۹۰، ص ۱۳) در همان سفر گیلان تصمیم می‌گیرد سیاهی‌ها و بدی‌هایی را که مشاهده می‌کند «نقد» نماید «چیزهای خوبی که می‌بینم تحسین و تمجید کرده، مردم را تشویق نمایم و چیزهایی را که بد و مضر می‌دانم تقبیح و تنقید کنم که در صدد رفع معایب آن برآیند» (همان، ص ۱۴) مسعودی این رویه را پیشه خود کرد و در همین مسافرت گیلان وقتی مأمور مالیات دم دروازه خروجی قزوین رشوه گرفت، او در سفرنامه خویش آن را افشا کرد «یک عده مأمور بی‌عاطفه هستند که موجب ننگ سایر مأمورین دولت شده و همه را لک‌دار می‌کنند» (همان، ص ۲۹) انتقادات او علاوه بر مأموران و موسسات دولتی مانند بلدیّه، صحیه، معارف و ... شامل مردم عادی نیز می‌شود. او با نگاه اصلاح‌گرایانه و مدرن از مردم می‌خواهد روحیه «تنبلی» و «فاجاری» را به کناری نهاده و وارد دنیای کار و تلاش شوند.

مسافرتی که حاصل نگارشات آن در دست شماست و مربوط به سال ۱۳۱۰ خورشیدی است، نیز همین رنگ و بو را دارد. با این تفاوت که مسعودی در سال ۱۳۰۹ سفری به اروپا داشته^۲ و تجربه‌های دست‌اولی از دنیای مدرن نیز با خود همراه آورده است. خصوصاً در موضوع گردشگری، تجربه‌های جدید بازمانده از سفر فرنگ، دستمایه ابراز

۱. مسعودی، عباس (۱۳۹۰) یادداشت‌های مسافرت گیلان، به کوشش علی امیری، رشت: ایلیا

۲. مسعودی در ابتدای سفرنامه‌اش به آمریکا که در سال ۱۳۲۴ انجام یافت، به این امر اشاره می‌کند که در سال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۵ دوباره به اروپا مسافرت کرده است. (مسعودی، ۱۳۲۸، ص ۵) از آنجا که سفرنامه‌ها چین، مسکو و آمریکا حدود چند دهه پیش چاپ شده و نایاب هستند، جا دارد موسسه اطلاعات، که میراث‌خوار عباس مسعودی است، این متون ارزشمند را چاپ مجدد نماید.

پیشنهاداتی در مورد شکوفایی صنعت گردشگری قم و اصفهان و چرایی و چگونگی حفظ میراث فرهنگی این شهرها شده است.

مسعودی در این سفر قم - اصفهان جوانی سی ساله است که به دلیل فرصتی که در ایام عید به دست آورد، از تهران راهی جنوب گردید. او دو شهر قم و اصفهان را دیده و به خوبی توصیف کرده است. پس از بازگشت از سفر، مسعودی سفرنامه خود را در ۲۱ قسمت از تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۱۰ تا ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ در روزنامه اطلاعات به چاپ رسانید. تمرکز این سفرنامه بر دو شهر قم و اصفهان می باشد. در چند جا ابراز می دارد که قرار است راجع به کاشان هم سخن بگوید، اما معلوم نیست چرا در سفرنامه او این شهر از قلم افتاده است. شاید مسیر رفت و بازگشت او به کاشان برخورد نکرده است، شاید هم او ترجیح داده است شرح کاشان را به وقت دیگری و سفر دیگری احاله دهد. به هر حال مسافر بعد از قم سر از اصفهان در می آورد.

علاوه بر مشاهدات و پیشنهادات معمول، نگاه عباس مسعودی به آثار و ابنیه اصفهان جالب توجه است. عباس مسعودی پیش از آن تاریخ سفری به اروپا داشته و شرایط صنعت گردشگری در آنجا را تا حدودی می شناسد. به همین خاطر وقتی از آثار و ابنیه تاریخی و ظرفیت های گردشگری دو شهر قم و اصفهان سخن می گوید، در جای جای کلامش نظرگاه ها و پیشنهاداتی برای ارتقای صنعت گردشگری در این دو شهر ارائه می دهد.

ظرفیت صنعت گردشگری قم را بدین سبب که در میان راه پایتخت به جنوب قرار گرفته است، بسیار حائز اهمیت می یابد. با این وجود در نگاه مسعودی شهر قم فاقد امکانات و تأسیسات اقامتی است. به همین خاطر از ثروتمندان این شهر می خواهد در جبران این نقصان بکوشند. مسعودی نگاهی به روند مدرنیزاسیون در شهر قم و مولفه های آن انداخته است و موسسات جدید آن را معرفی می نماید. او اقتصاد شهر و کسب و کار آن را نیز بازگو می کند. وی مردم شهر قم را سخت کوش و کاری می بیند که فقط یک مدیریت و تربیت صحیح می تواند این شهر را در شاهراه تمدن اندازد.

در شهر اصفهان نیز با آثار و ابنیه گرانقدری مواجه می شود که نیاز فوری به مرمت دارند، البته مرمت آنها بسیار گران است و تأمین هزینه آن از عهده موسسات محلی مانند بلدیة خارج است. بنابر این پیشنهاداتی در این باره از سوی وی ارائه می گردد که برای شناخت اوضاع مالی کشور و میزان توجهی که به آثار مذکور می گردید، اهمیت دارد. پیشنهاد او برای

دریافت وجه ورودی از ابنیه تاریخی، حتی از مساجد شهر، شاید در آن زمان برای خود راه حلی بوده است. به هر حال صنعت گردشگری تازه در حال نضج گرفتن در کشور بود و ایده‌ها و نظراتی که امثال مسعودی می‌دادند مسلماً در آینده این صنعت اثر خود را بر جای می‌نهد. شاید به خاطر همین مقالات مسعودی بود که وزارت معارف متوجه عمق خرابی ابنیه تاریخی اصفهان شده و خیلی زود بودجه کافی را به اداره معارف این شهر داد تا مرمت‌ها به انجام رسیده و آثار تاریخی اصفهان نجات یابند. در واقع عباس مسعودی با این سلسله مقالات، عامدانه و هوشمندانه، چالش خرابی ابنیه تاریخی اصفهان را به سطح ملی کشاند و توانست توجه هیأت دولت را به این امر جلب نماید.

در ادامه سفرنامه مسعودی نهاد بلدیۀ اصفهان را مورد کنکاش قرار داده، اقدامات و زیرمجموعه‌های آن را بازشماری می‌کند. بیمارستان خورشید، دارالمساکین، دارالمجانین، شیرخوارگاه و را بازدید می‌کند. کسب و کار مردم اصفهان و بنیان‌های اقتصاد این شهر را شرح می‌دهد. به تنها کارخانه نساجی شهر یعنی کارخانه وطن سر می‌زند. جلفا و تأسیسات وابسته به آنجا را بازدید می‌کند و خلاصه تصویر جالب و جامعی از اصفهان سال ۱۳۱۰ ش به ما خوانندگان ارائه می‌دهد. انتهای سفر و نقطه پایان سفرنامه نیز ناگهانی و بدون اشارات لازم است. او چیزی راجع به بازگشت و خط سیر آتی به خوانندگان نمی‌گوید.

قم در سال ۱۳۱۰

شاید بتوان گفت جامع‌ترین تصویری که از شهر قم در دوران پهلوی برجای مانده است کتاب «تاریخ قم» اثر «محمد حسین ناصرالشریعه» باشد. چاپ نخست کتاب در سال ۱۳۲۴ منتشر گردید و سپس با اضافات «علی دوانی» چند چاپ دیگر از آن بیرون آمد. این کتاب موسسات جدید شهر قم، شامل بیمارستان‌ها، کتابخانه‌ها، مدرسه فیضیه، بلدیۀ وسایر تحولات عصر رضاشاه را در این شهر منعکس می‌کند. حتی راجع به تاریخچه لوله‌کشی و نیز تلفن خودکار قم هم در کتاب مطالبی هست. می‌توان پیشنهاد داد خواننده ای که سفرنامه حاضر را در دست مطالعه دارد، با خواندن کتاب «تاریخ قم» اطلاعات خود را تکمیل نماید.

اصفهان در سال ۱۳۱۰

در سال‌های اخیر آثار و اسناد زیادی درباره اصفهان دوره رضاشاه به زیور طبع آراسته شده‌اند. صاحب این قلم در کتاب «تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول» تصویر جامعی از شهر اصفهان در این زمان ارائه داده است. این داده‌ها از خلال

روزنامه‌های منتشره در شهر اصفهان، خصوصا روزنامه اخگر می‌باشند. کتاب دیگری که اینجانب تألیف نمود پژوهشی بود که درباب کارخانجات نساجی اصفهان به انجام رسانید. این کتاب «فراز و فرود صنعت نساجی در اصفهان» نام دارد که روند شکل‌گیری کارخانجات نساجی و تأثیر آنها در حیات اجتماعی شهر را به بررسی نشسته است.

هم چنین کتاب «گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰» مجموعه گزارش‌ها و نامه‌هایی است که حکام ولایات برای دربار پهلوی ارسال کرده و تصویری از اوضاع اقتصادی و اجتماعی منطقه خویش را در آن منعکس کرده اند. گزارش مفصلی نیز توسط حکمران اصفهان و نیز شرکت مهندسی شونمان راجع به شهر اصفهان در این کتاب درج شده است. از آنجا که زمان سفر عباس مسعودی به اصفهان و تهیه این گزارش‌ها در یک سال بوده است، این گزارش‌ها به ما کمک می‌کند، اصفهان آن روزگار و نیز سفرنامه عباس مسعودی را بهتر درک کنیم.

در سال ۱۳۱۵ حکمران اصفهان، میرزا قاسم‌خان صوراسرافیل، گزارش جامعی از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اصفهان به نخست وزیر ارائه داد که خوشبختانه این سند به دست ما رسید. صاحب این قلم به این کتاب «برگ‌هایی از تاریخ اجتماعی اصفهان معاصر» (جلد اول) بازنویسی کرد که این سند می‌تواند به ما بگوید اصفهان، پنج سال بعد از مسافرت مسعودی به کجا رسیده است.

از میان خاطرات برجای مانده از اصفهان عصر رضاشاه، شاید جامع‌ترین آنها مربوط به یادداشت‌های نصرالله سیف پور فاطمی باشد. ایشان در کالج انگلیسی‌ها کار می‌کرد و با مقامات شهری نیز رابطه عمیقی داشت. بنابر این خاطرات او که «آینه عبرت» نام دارد، بسیار برای درک این دوره اصفهان مفید است.

کتاب «تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی شهر اصفهان؛ دوره پهلوی اول» پژوهشی است که توسط سید مسعود سید بنکدار به انجام رسیده و در آن کتاب ابعاد گوناگون جامعه اصفهان آن عصر را به تصویر کشیده است. این کتاب بر مبنای اسناد و مطبوعات قرار دارد.

مدیریت شهر اصفهان در سال ۱۳۱۰

حکمران اصفهان در زمان سفر مسعودی شخصی به نام «جلالی» است. بنا بر اخبار روزنامه محلی اخگر، فطن‌الملک جلالی در ۷ اردیبهشت ۱۳۱۰ به حکمرانی اصفهان منصوب گردید (اخگر، ش ۵۶۳، ۷ اردیبهشت ۱۳۱۰) یعنی درست اندکی بعد از آن که مسعودی قدم

به شهر اصفهان نهاد، حکومت اصفهان به فطن الملک جلالی رسید. درباره او گفته اند «فطن الملک جلالی و جانشین دبیراعظم، سابقه خدمتش در وزارت دارایی و از دوستان و هم فکران حاج مخبرالسلطنه هدایت و مأموریت اصفهان هم در نتیجه کمک او بود و در هر کاری فکر اولش این بود که اگر این موضوع به عرض برسد، تکلیف من چه خواهد بود» (فاطمی، ۱۳۷۸، ص ۷۰۸)

درباره اقدامات او در بلدیۀ اصفهان در روزنامه اخگر می‌خوانیم «پس از پنج ماه دفعتاً دیده شد که معظم‌الیه روزی به اداره بلدیۀ رفته، به کلی تشکیلات آن را منحل و اداره بلدیۀ را زیر و رو کردند. این در همان اوقاتی بود که اخگر انتقادات خیلی سخت خود را در اطراف اداره بلدیۀ اصفهان و عملیات کارکنان آن، از چندی قبل شروع کرده بود و اتفاقاً بر حسب صلاح دید خود ایشان، به انتقادات خود خاتمه داد... از موقعی که تشکیلات جدید بلدیۀ تحت نظر ایشان داده شد، بلدیۀ اصفهان به کلی رنگ دیگری را به خود گرفت. قدم‌های سریع عملی آن شروع و راه پیمانی ترقی و تعالی گردیده، صورت آبرویی به خود گرفت... در هر صورت رفتن معظم‌الیه برای اصفهان بی‌نهایت اسباب تأسف است». (اخگر، ش ۷۶۵، ۲۱ تیر ۱۳۱۱) فطن الملک جلالی یک سال بعد از حکومت اصفهان به استانداری فارس منصوب شد. او در سال ۱۳۳۶ در تهران درگذشت.

شهرداری اصفهان در آن زمان با آقا حسین جلالی بود. «آقا میرزا حسین خان جلالی، ریاست بلدیۀ اصفهان، که خبر انتصابشان را در شماره‌های قبل دادیم، روز پنج‌شنبه به اصفهان وارد و روز گذشته در اداره بلدیۀ حاضر و اعضای بلدیۀ به معظم‌الیه معرفی گردیدند.» (اخگر، ش ۴۹۵، ۲۸ دی ۱۳۰۹) درباره اقدامات و کارنامه این شخص بهترین اثر روزنامه‌های محلی مانند روزنامه اخگر و نیز راه نجات هستند. کتاب «تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول» که توسط اینجانب گردآوری شده است، این بریده جراید را درج کرده است.

کتابشناسی سفرنامه‌های عباس مسعودی

یادداشت‌های مسافرت گیلان: در سال ۱۳۰۷ عباس مسعودی سفری از راه قزوین به استان گیلان نموده و با نگاهی نقادانه اوضاع و احوال این ایالت را بازگو می‌کند. در این زمان گیلان تازه اصلاحات و مدرنیزاسیون عصر رضاشاه را آغاز کرده است و هنوز حضور روس‌ها و تحولات جنگل در آن زیاده‌ها نرفته است. این سفرنامه حدود ۱۰۰ صفحه می‌باشد.